

سیرت حوزہ اصفہان

دفتر چہارم

مجدود نور محمد

مرکز تحقیقات رایانہ ای حوزہ علمیہ اصفہان

سرشناسه	نورمحمدی، محمد جواد، ۱۳۴۷ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدار	میراث حوزه اصفهان / به اهتمام محمد جواد نورمحمدی؛ [برای] مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان.
مشخصات نشر	اصفهان - مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۶
فروست	(مجموعه منشورات: ۲)
شابک	۳۰۰۰۰ ریال: ج ۱-۹-۹۲۹۷۴-۹۶۴؛ ج ۲-۴-۰-۹۶۰۸-۹۶۴؛ ۳۰۰۰۰ ریال: ج ۳-۳۹۶۴-۹۶۱۰۸۶؛ ۳۰۰۰۰ ریال: ج ۴-۸-۲-۹۶۵۶۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
یادداشت	جلد سوم گردآوری محمد جواد نورمحمدی است.
یادداشت	جلد چهارم گردآوری محمد جواد نورمحمدی است.
یادداشت	ج ۳ و ۴ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیپا)
موضوع	اسلام - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	ادب فارسی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	اصول فقه - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	فقه جعفری - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه افزوده	حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه‌ای.
رده بندی کنگره	۹ م ۳ / ۱۱ BP
رده بندی دیربی	۲۹۷ / ۰۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۱۷۲ - ۸۳

■ میراث حوزه اصفهان / ج ۴

- به اهتمام : محمدجواد نورمحمدی
- پژوهش : بخش احیاء نراث مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه اصفهان
- ناشر : انتشارات مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان
- چاپ و لیتوگرافی : اعتماد
- صحافی : یاس
- نوبت چاپ : اول / زمستان ۱۳۸۶
- شمارگان : ۱۰۰۰
- بها : ۵۰۰۰۰ ریال

مرکز بخش: اصفهان - خیابان شهید مطهری - ابتدای خیابان اردیبهشت

مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان

E-mail: info@hozeh.org

تلفن: ۰۳۱۱-۲۳۲۳۶۱۰-۵

WWW.hozeh.org

دورنگار: ۰۳۱۱-۲۳۲۳۶۱۰

رساله شرب القلیان فی شهر رمضان

فقیه محقق و اصولی کبیر شیخ محمد تقی رازی نجفی اصفهانی (۱۲۴۸ ق)

تحقیق: مجید هادی زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

«شرب القلیان فی شهر رمضان» عنوان رساله ای است که هر چند «عدم مفطریّت دخان» نیز خوانده شده است، اما گویا هیچیک از این دو نام، نشانگر عنوان واقعی رساله، نیست. دومین نام با توجه به موضوع رساله پدید آمده، و نام نخست - که هم اکنون بر پیشانی آن نشسته است - را، از فهرست یگانه دستنوشته رساله، اخذ کرده ایم. این رساله، که تنها دستنوشته آن هم اکنون در نجف اشرف قرار دارد، و دوست فاضل جناب حجة الاسلام شیخ محمد کرباسی - دامت برکاته - تصویر آن را، از آن شهر عزیز، رهاوردمان کرد، نشانگر یکی از علائق فقه پژوهانه فقیه و اصولی بزرگ، شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی (متوفی ۱۲۴۸) می باشد. در آن روزگاران، گویا در پی سؤالی، شیخ اصفهانی نجفی بر سر آن می شود که نشان دهد، دخان نه ملحق به اکل و شرب است تا در

شمار مفطرات قرار گیرد، و نه ملحق به غبار غلیظ، تا چنین حکمی بیابد. از اینرو با پرداختن رساله حاضر - که برکناره رساله فقیه سترگ شیخ محمد ابراهیم کلباسی پدید آمد - به توضیح این رأی فقهی خود پرداخت. هرچند نگاشته حاضر را، نمی توان اثر فقهی مستقلی خواند، اما به هر حال نگاشته ای است پیرامون یک فرع، ریخته خامه یکی از بزرگترین اصولیان تاریخ تشیع، و از اینرو، می پندارم کوتاهی آن را، می توان نادیده انگاشت.

یادآور این نکته ضروری می نماید که رساله حاضر اولین رساله تصنیف شده در این موضوع است و بعد از مصنف فقیه تعدادی چند از اصحاب در این باره رسائل را پرداخته اند از آن جمله:

- کشف الاوهام فی حلیة شرب الفلیان فی شهر رمضان، از میرزا محمد تقی بن علی محمد نوری طبرسی (متوفی ۱۲۶۳) که رساله خویش را در سال ۱۲۴۶ به پایان رسانده است. پدر عالیمقدار حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل (متوفی ۱۳۲۰).

- درة الأسلاک فی حکم دخان التباک و أنّه لا یضرّ بالصوم، از میرزا محمد بن عبدالوهاب بن داود همدانی کاظمی (متوفی ۱۳۰۴) که از این رساله در سال ۱۲۸۱ فارغ شده است.

- التذخین و الصیام از فاضل معاصر سید محمود مقدس غریفی که در رساله خود عدم مفطریّت را تمام دانسته و قائل به استحباب ترک یا کراهت فعل شده است. این رساله در نجف اشرف به طبع رسیده.

همچنین تذکار موافقین مصنف فقیه در این مسأله نیز شایسته است که جماعتی از متقدمین و معاصرین و متأخرین از وی را تشکیل می دهند به جز اصحاب رسائل گذشته و ایشان عبارتند از:

- شیخ محمد تقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰) در صوم مستحبی، سید نعمت الله جزائری از وی نقل می کند که: «کان یشربه فی صوم التطوع و یرک استعماله فی الصوم الواجب حذراً من کلام العوام»^۱.

- محمد اسماعیل مازندرانی معروف به فاضل خواجهائی (متوفی ۱۱۷۳) در «التعلیقہ علی الرسالة الصومیة».

- شیخ حسن ابن شیخ جعفر کاشف الغطاء صاحب انوار الفقاهة در همین کتابش.
- سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، ولكنه کان لایحب أن ینتشر منه هذه الفتوی.
- شیخ محمد علی هزارجریبی اصفهانی، یکی از دامادهای شیخ جعفر کاشف الغطاء که در اصفهان ساکن بوده است.

- شیخ مهدی بن شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء نیز در رسالۀ صومیۀ مخطوط خود.

و جماعتی از فقهاء نیز الحاق دخان به غبار را تمام ندانسته اند و لذا آنها را نیز می توان ملحق به موافقین مصنف کرد و از ایشان است سید محمد عاملی صاحب مدارک و سبزواری صاحب ذخیره و شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق و سلام بر پیامبر ما و خاندان پاکیزه اش.

مجید هادی زاده

۸۶/۷/۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِالْشُّكْرِ وَالْحَمْدِ

کشدن غلبه بر بعضی دیگر و کتب معروفه و نفیست و لیکن الحاق و خان بنامه در کلام متأخرین
مذکور است و در کتب قدما و علما تقریبی بدان خصوص متغایا باجران این نظر بر سید و نظم آن مشعر
بر عدم منع ایشان از آن است و مختار رجی از متأخرین علامه الحاق و خان بنیاد است و حکم منع
از ایشان حال مخالفه غلبه و جلق و فایند بلکه بعضی از ایشان از اسامی باکره متاخرین و او را ندو
بعضی تقریبی بمن هم خصما و کفار و در آن نموده و اینچنانچه رحمت و فقران نشان غلبه ایشان
عبارت باشد شیخ احمد مختار طایفه راه تصریح بان می فرمود و جمایه علامه العلماء الاطباء رحمت
و فقران را با نقلی از ابن تیمیّه و جعفر طایفه معتزله و خان غلبه را بر غلبه و غلبه طایفه معتزله
و انحصار و لیکن در کتب غلبه تفصیل را بعد ما بین کسانی که کشدن غلبه بر بعضی
ایشان باعث تقویت نفسی و چنانچه در بعضی از افرادین غلبه نشان شده و خود و دیگران
آن ایشان از قدرت و نشاط حاصل میشود که در صورت غلبه حاصل نمیشود و ما حکام ایشان غلبه
و کتب افلاک بیشتر از اهل و شرب است و کسانی که بر این سخن باشند بدانند که کشدن غلبه بر ایشان را
تقریب و نشاط حاصل میشود چنانچه در جمیع یکبار خطی خود پس در قسم اول منع از کشدن
غلبه در رجال و عده میل بود و در بعضی از کتب و مستند آن بود که منع از اکل و شرب
در رده و بیجهت نیست و در قوف حیوانیه است چنانچه از بعضی طایفه است مستفاد میشود و اگر
مزاج چنان باشد که تقویتان غلبه را علاوه بر اینها با شد حکم روان مزاج حکم
اکل و اخلاص بود و غلبه طایفه اول اهل باطن است و از آن خبر میشود لیکن الی الان بر حقیقت
بعد از امر مذکور و حق فسخه تا در هر امری که آن ملت موجود باشند حکم را جایز
مانیم غایت امر آن است که از احکامی که از آنست و از آنست و از آنست و از آنست و از آنست

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

وبه الثقة والتكّلات

کشیدن قلیان^۱ «به خصوصه» مُعَنَوَن در کتب معروفه نیست؛ ولیکن الحاق دُخان به غبار، در کلام متأخرین علماء مذکور است^۲؛ و در کتب قدماى علماء [ء]، تصریحی در آن خصوص - منعا یا جوازاً -، به نظر نرسیده؛ و ظاهر آن، مُشعر بر عدم منع ایشان از آن است^۳.

و مختار جمعی از متأخرین علماء، الحاق دُخان به غبار است، و حکم به منع از ایصال دُخان غلیظ به حلق می نمایند؛ بلکه بعضی از ایشان آن را اسناد به اکثر متأخرین

۱-

۲ - بنگرید: جامع المقاصد، ج ۳، ص ۷۰؛ مسالك الأفهام، ج ۲، ص ۱۷؛ مدارك الأحکام، ج ۶، ص ۵۲؛ جواهر الكلام، ج ۱۶، ص ۲۳۵.

۳ - واضح است که مصَنَّف عظیم القدر، ثبوت موضوع حاضر نزد متقدمین را، بدیهی دانسته‌اند؛ از اینرو، استدلال حاضر را به این گونه مرتَّب نموده‌اند.

داده‌اند؛ و بعضی تصریح به لزوم قضاء و کفاره در آن نموده‌اند^۱؛ چنانچه رحمت و غفران نشان، عَلَیْهِنِ آشیان عارف ربّانی شیخ احمد احسانی^۲ - طاب ثراه! -، تصریح به آن می‌فرمود^۳؛ و جناب علامه العلماء الأَطیاب، مرحمت و غفران مآب، أَفْقَه المَتَأَخَّرِین، شیخ مُحَمَّد جعفر - طاب مرقده! -، دخان غلیظ را به غبار غلیظ ملحق نمی‌دانستند، ولیکن در کشیدن غلیان، تفصیل می‌دادند:

[۱] ما بین کسانی که کشیدن قلیان در مزاج ایشان باعث تقویت شود - چنانچه در جمعی از معتادین به قلیان مشاهده می‌شود، که به مجرد کشیدن آن، ایشان را قوّت و نشاطی حاصل می‌شود که در صرف غذا حاصل نمی‌شود، و اهتمام ایشان به قلیان وقت افطار بیشتر از اکل و شرب است.

[۲] و کسانی که بر این نحو نباشند، و از کشیدن قلیان ایشان را قوّت و نشاطی حاصل نشود - چنانچه در جمعی دیگر ملاحظه می‌شود -:

پس در قسم اوّل منع از کشیدن قلیان در حال روزه می‌فرمودند؛ بخلاف ثانی. و مستند به آن بودند که:

«منع از اکل و شرب در روزه، به جهت ضعیف نمودن قوّه حیوانیه است - چنانچه از بعضی روایات مستفاد می‌شود -، و هرگاه مزاج چنان باشد که تقویت آن به غلیان، مثل غذا بیش از این باشد^۴، حکم در آن

۱ - نمونه را بنگرید: جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۲۳۶؛ این رأی، مختار صاحب جواهر می‌باشد.

۲ - در دستنوشته، ضبط این کلمه به همین گونه آمده است.

۳ - مرحوم احسانی، در کتاب «الْأَقْطَابُ الْفَقْهِيَّة»، متعرض این فرع نشده است.

۴ - چنین است در تنها دستنوشته موجود رساله؛ گویا عبارت، در اصل چنین بوده است: «تقویت آن به غلیان، مثل غذائیش باشد».

مزاج، حکم اَکَل خواهد بود، و عَلَتْ مانعه از اَکَل باعث منع از آن نیز می‌شود»^۱.

لیکن اِلَى الْآن، بر حقیر «عَلَتْ بودن» امر مذکور، محقق نشده؛ تا در هر امری که آن عَلَتْ موجود باشد، آن حکم را جاری سازیم؛

غایت امر، آن است که آن را «حکمت» منع از تناول غذا دانیم. و حکمت را تسریه نمی‌توان نمود - /A2/ چنانچه اِطْرَاد آن در موارد ثبوت حکم نیز لازم نیست -.

و آنچه به نظر قاصر می‌رسد، عدم منع از آن است؛ امّا:

[۱] چون دلیل واضعی بر منع به نظر نمی‌آید،

[۲] و دعوی اندراج آن در اَکَل و شرب بی‌وجه است،

[۳] و اشتمال آن بر اجزاء صغار - چنانچه هرگاه کرباسی بر لب گذارند و دود را از آن

جذب نمایند، محسوس می‌شود -:

باعث منع نمی‌توان^۲ شد؛ چه:

[۱] قطعاً اسم «اَکَل» عرفاً بر آن صادق نیست،

[۲] و مشارکت آن با غبار - در حصول آنگونه اجزاء در حلق -، باعث تسریه حکم

غبار به آن نمی‌شود - چه آن قیاس [است]، و در مذهب شیعه اعتباری ندارد -؛

[۳] و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام، مروی است که:

«ضرر به روزه دار نمی‌رساند آنچه بکند، هرگاه اجتناب نماید از چهار

۱ - فقیه اعظم شیخ جعفر کاشف الغطاء، در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّهُ غَيْرُ مَفْطَرٍ إِلَّا لِمَنْ» - اعتاده و تلذذ به، مقام عنده مقام القوت؛ فَإِنَّهُ أَشَدُّ مِنَ الْغَبَارِ؛ بنگرید: «كُشِفَ الْغَطَاءُ» - چاپ سنگی - ص ۴۲۷.

۲ - چنین است در دستنوشته؛ ط: «نمی‌تواند».

امر: خوردن، و آشامیدن، و زنان، و ارتماس در آب»^۱.

و امور چند دیگر را، که باعث افساد روزه می‌دانیم: به جهت قیام دلیل بر آن است: و در خصوص ایصال دخان به حلق - چنانچه مذکور است -، دلیلی به نظر نرسیده: پس به مقتضای حدیث صحیح مذکور، مانعی از آن نخواهد بود:

[۴] بلکه حدیث موثق جواز دخول دود عود به حلق وقت تبخیر به آن، در حال روزه از حضرت امام رضا علیه السلام مروی است^۲.

پس قول به جواز - نظر به ظاهر ادله شرعیّه -، خالی از قوت نیست، خصوصاً هرگاه بسیار کم دود باشد و دود او را غلظتی نباشد: چه ایصال غبار یا دخان غیر غلیظ به حلق مانعی ندارد، و قول به منع از آن مطلقاً، خالی از ضعف نیست - چه در منع از آن، عسر و حرج عظیم است، خصوصاً نسبت به طبّاخان -.

و هرگاه در شریعت منعی از آن می‌بود، چون از امور عامّ البلوی است بایست روایات متعدّد در منع از آن وارد شده باشد: و حال آن که اثری از منع در اخبار موجوده وارد نشده:

سوای یک روایت ضعیفه معلوله، که در «غبار» وارد شده^۳.

۱ - «... قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: لا يضرّ الصائم ما صنع إذا اجتنب أربعة خصال: الطعم، والشراب، والنساء، والارتماس في الماء»؛ بنگرید: وسائل الشیعة، - چاپ محقق - ج ۱۰، ص ۳۱، ذیل حدیث ۱۲۷۵۳.

۲ - «... عن الرضا عليه السلام قال: سأنته عن الصائم يتدخّن بعودٍ أو بغیر ذلك، فتدخل الدخنة في حلقه؟ فقال: جائزٌ لا بأس به. قال: وسأنته عن الصائم يدخل الغبار في حلقه؟ قال: لا بأس»؛ بنگرید: وسائل الشیعة، - چاپ محقق - ج ۱۰، ص ۶۹، حدیث ۱۲۸۵۱.

۳ - اشاره است به روایتی مضمره، که سلیمان بن جعفر المروزی، نقل نموده است: «إذا... كنس بيتاً فدخل في أنفه وحلقه غبارٌ، فعليه صوم شهرين متتابعين؛ فإنّ ذلك له مفطرٌ مثل الأكل والشرب والنكاح»؛ بنگرید: «وسائل الشیعة» - چاپ محقق - ج ۱۰ ص ۶۹ حدیث ۱۲۸۵۰.

و چون حکم^۱ در غبار غلیظ، منجر به عمل اصحاب، و اجماع منقول در مسأله است؛ چاره [ای] از عمل به آن روایت، در «خصوص غبار» نیست بعد از حمل اطلاق بر «غبار غلیظ»؛

بلکه دعوی انصراف ظاهر روایت به آن، خالی از وجه نیست؛ و در ماعدای آن :- از غبار غیر غلیظ، و دخان مطلقاً -، قول به عدم منع، قوی است.

اما از آنجا که احتیاط در دین از امور مهمه است - خصوصاً در عبادتی که اهتمام صاحب شریعت در آن بسیار، و از ارکان دین سیدابرا^ع است -، مراعات احتیاط را در این مقام از مهام شمارند. و به این جهت، عمل شیعه در جمیع بلاد بر ترک کشیدن قلیان است مطلقاً؛ بلی، در نیت روزه، ملاحظه ترک آن را علی سبیل الوجوب نکنند. و هرگاه در نیت، ملاحظه ترک آن را علی وجه الاحتیاط نماید، کافی خواهد بود؛ بلکه هرگاه ملاحظه ترک آن را بالخصوص در نیت روزه نکند - و نیت روزه را علی سبیل الاجمال به این نحو نماید که: «قصد تقرُّب به امساک از امور مخصوصه معینه معتبره در شریعت»، اجمالاً نمایند، و تحقق آن امساک را در امساک از امور [ی] چند، که بعضی معلوم الاعتبار و بعضی مشکوک الاعتبار باشد -، یقیناً حاصل، کافی در تحقق نیت، و در ادای صوم مطلوب است؛ چنانچه تفصیل آن در محلّش مذکور است، و مقام گنجایش تفصیل آن را ندارد.

والله - سبحانه! - العالم.^۲

۱ - چنین است در دستنوشته؛ گویا صحیح: «ضعف» باشد.

۲ - ترقیمه دستنوشته چنین است: «قد تَمَّتْ النُّسخَةُ الشَّرِیْفَةُ، بید العبد الجانی - غفر الله له ولوالديه! -، فی عصر الاثنين من رجب سنة ۱۲۵۸.